تمدید فرصت ارسال آثار به جشنواره بازی‌های جدی

مهلت ارسال آثار به بخش جشنواره هفتمین دوره جشنواره بازی‌های جدی، به‌دلیل درخواست مکرر بازی‌سازان برای حضور در جشنواره بازی‌های جدی، تا ۱۰ بهمن‌ماه تمدید شد. این بخش از جشنواره در نیمه دوم بهمن‌ماه امسال در قالب رویداد ملی «هفته بازی ایران؛ هفت‌خوان» برگزار می‌شود.

نمایشگاه عکس و پوستر جشنواره تئاتر فجر در خانه هنرمندان

نمایشگاه عکس و پوستر چهل‌وچهارمین دوره جشنواره تئاتر فجر در خانه هنرمندان ایران در حال برگزاری است. در این نمایشگاه ۶۰پوستر و ۶۰قطعه عکس از آثار هنرمندان شرکت‌کننده در جشنواره برای علاقه‌مندان به نمایش گذاشته شده است. نیلوفر جوانشیر مدیریت بخش عکس این نمایشگاه را برعهده دارد.

صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

درنگی بر ۴رمان پرفروش درباره تنگناها و مصیبت‌های دوران پهلوی

خفقان پیش از ۵۷

گزارش

بعد از سال ۱۳۵۷ و به‌ویژه در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی رمان‌های متعددی از سوی نویسندگان ایرانی درباره اختناق در دوران پهلوی منتشر شد که برخی از آنها به لحاظ قوت و قدرت زبانی و تکنیک جزو آثار ماندگاری شد که چند نسل آن را خواندند و به چاپ‌های متعدد رسیدند؛ رمان‌هایی از نویسندگانی شناخته شده که در حافظه جمعی کتابخوانان نقش بستند. در ادامه مروری داریم بر ۴ اثر داستانی که علاوه بر مطرح‌بودن نویسندگانشان، آثاری پرفروش هم بوده‌اند.

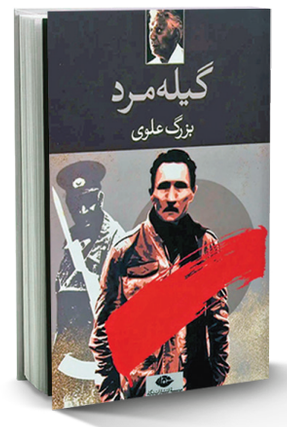

گیله‌مرد؛ قیام علیه ستم

بزرگ علوی، از نویسندگان شناخته‌شده نسل اول داستان‌نویسی ایران است. یکی از معروف‌ترین آثار او، در کنار رمان «چشم‌هایش» داستان «گیله‌مرد» است.
برای بهتر شناختن «گیله‌مرد» می‌توان آن را با «داش‌آکل» هدایت و «تنگسیر» چوبک مقایسه کرد. در این دو داستان موضوع حول قهرمانی قهرمان دور می‌زند. داش‌آکل قهرمانی است که قربانی می‌شود اما به هر حال مسئله فردی است و در تنگسیر زائرمحمد کم و بیش حال و هوایی ماجراجویانه دارد. در هر دو این فرد است که موقعیتی محوری دارد و... داستان حول و حوش خلق وخوی درونی و در واقع تجربه درونی آنان - داش‌آکل و زائرمحمد- دور می‌زند درحالی‌که در «گیله‌مرد» موضوع چندان ارتباطی به خلق وخوی گیله‌مرد ندارد حتی «توفان جنگل و هوای بارانی و نمناک و نامناسب جانشین کیفیت روانی گیله‌مرد شده است.»
گیله‌مرد داستان رئالیستی و نقطه عزیمت واقعیت بیرونی است. گیله‌مرد بالاجبار و در موقعیتی ناخواسته درگیر ماجرا شده درحالی‌که دوست دارد در همان جنگل و خانه روستایی‌اش زندگی کند اما اتفاقاتی در روستاها مثل بهره مالکانه گرفتن از روستا و حاکم‌شدن مالک او را به ناگزیر در موقعیتی حساس قرار می‌دهد که وادار می‌شود وارد ماجرا شود.
داستان گیله‌مرد حکایت زندگی دهقانی روستایی است که در جنگل‌های گیلان اتفاق می‌افتد. او به یک مبارز شورشی تبدیل می‌شود که علیه ستم قیام می‌کند چون همسر او به‌دست مأموران کشته شده است. داستان در ۲بخش بیرون و درون اتفاق می‌افتد.
بخش بیرون از تعاملات ۲ماموری که گیله‌مرد را به پاسگاه می‌برند تشکیل شده که یکی از آنها بدذات است و با کنایه و توهین گیله‌مرد را می‌آزارد. دیگری اما ساکت است و زندانی را در سکوت همراهی می‌کند.
این خاموش‌بودن مأمور دوم خود برای گیله‌مرد آزاردهنده است. بخش درونی رمان درون ذهن گیله‌مرد سپری می‌شود و به افکار او درباره صغرا، همسر محبوبش که بی‌گناه کشته شد و طفل ۶ماهه‌ای که با مرگ مادر در کومه جامانده و سرنوشت نامعلومی دارد، می‌پردازد. افکار گیله‌مرد بین گرفتن انتقام صغرا و پیداکردن راه فرار برای بازگشت پیش فرزندش در جریان است. همزمان با ورود این ۳ نفر به قهوه‌خانه‌ای که بین راه قرار دارد، مردی بلوچ که به اجبار به گیلان فرستاده شده و از خانواده خود دور افتاده است با گیله‌مرد مواجه می‌شود و گفت‌وگوی این ۲نفر داستان را در مسیری خواندنی و گیرا هدایت می‌کند. بزرگ علوی که ۱۳بهمن ۱۲۸۲متولد شد و در ۲۸بهمن ۱۳۷۵شمسی درگذشت، نویسنده، استاد زبان فارسی و روزنامه‌نگار ایرانی بود که آثار متعدد و پرفروشی از او منتشر شده است.
چاپ پانزدهم گیله‌مرد در ۲۰۴صفحه، به بهای ۲۷۵هزار تومان از سوی نشر نگاه منتشر شده است.

مدار صفر درجه زندگی زیر سایه سایه‌ها

رمان «مدار صفر درجه» نوشته احمد محمود یکی از مهم‌ترین بازتاب‌های ادبی تجربه زیستن در دوران اختناق سیاسی، امنیتی و پلیسی ایران در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ است؛ تجربه‌ای که محمود آن را نه با شعار و رویکرد مستقیم، بلکه از دل زندگی روزمره، مکان‌های کوچک، روابط عاطفی، ترس‌های خاموش و مناسبات محلی بیرون می‌کشد. در این اثر، قدرت سیاسی نه به شکل کاریکاتوری یا اغراق‌شده بلکه همانطور که در واقعیت تجربه می‌شود حضور دارد: بی‌چهره، خاموش، اما همواره نزدیک. ساواک و دستگاه‌های امنیتی، سرهم‌بندی ساده‌ای از بازجو و سلول نیستند؛ شبکه‌ای‌اند که بر محلات، قهوه‌خانه‌ها، محیط‌های کاری، خانه‌ها و حتی فضای ذهنی مردم سایه می‌اندازند. محمود این سایه را به‌جای آنکه توضیح بدهد، از طریق دلهره‌های کوچک، نگاه‌های محافظه‌کارانه، کم‌حرفی و پنهان‌کاری مردم نشان می‌دهد. در چنین فضایی است که شخصیت‌ها یاد می‌گیرند چطور حرف نزنند، چطور کمتر دیده شوند، چطور از کنار خطر رد شوند و چطور امیدشان را به چیزی دورتر منتقل کنند.
در «مدار صفر درجه» ترس همیشه در کنار شخصیت‌هاست، اما هیچ‌وقت به‌تنهایی نقش ندارد. آنچه فضا را سنگین می‌کند، ترکیب ترس با بی‌عدالتی و ترکیب بی‌عدالتی با بی‌پناهی است. جوانان دانشجویی که درگیر فعالیت سیاسی‌اند، کارگرانی که در چنبره فقر و سرکوب‌اند و خانواده‌هایی که آینده‌شان را در چشم‌اندازی تیره می‌بینند، همگی در مرکز این رمان قرار دارند. محمود با مهارت ویژه‌اش در روایت زندگی مردم عادی، کاری می‌کند که خواننده وزن قدرت را روی شانه شخصیت‌ها احساس کند؛ قدرتی که نه‌فقط در زندان و بازجویی حاضر است، بلکه در خانه، در ناهارخوری، در ایستگاه اتوبوس، در مدرسه و در کارخانه هم وجود دارد. به همین دلیل است که تجربه اختناق در این رمان صرفاً سیاسی نیست، بلکه اجتماعی و روانی نیز هست: ترس تبدیل به بخشی از تربیت اجتماعی افراد می‌شود.
احمد محمود خود از خوزستان و جنوب، منطقه‌ای پرمسئله و زخم‌خورده، می‌نوشت. همین ریشه‌مندی باعث می‌شود «مدار صفر درجه» همزمان تجربه‌ای محلی و ملی باشد. محمود هرگز سراغ قهرمان‌های بزرگ نمی‌رود؛ قهرمان او همان آدم معمولی است که زیر فشار امنیتی و اقتصادی له نمی‌شود اما تغییر می‌کند و این تغییر همان جایی است که سیاست وارد زندگی می‌شود. روایت محمود نشان می‌دهد که اختناق فقط با زندان و بازجویی تعریف نمی‌شود، بلکه با عادت‌کردن به سکوت، زندگی زیر سایه سایه‌ها با فراموشی جمعی، با حذف تدریجی تخیل و با محدودشدن زبان تعریف می‌شود.
رمان ۳جلدی مدار صفر درجه در ۱۷۸۲صفحه از سوی انتشارات معین به چاپ شانزدهم رسیده است.

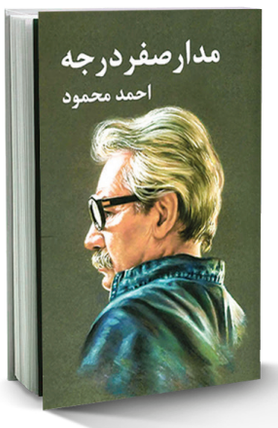

رمان «مدار صفر درجه» یکی از مهم‌ترین بازتاب‌های ادبی تجربه زیستن در دوران اختناق سیاسی، امنیتی و پلیسی ایران در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ است

شاهنشاه در کوچه دلگشا نقد ساختار سلطانی

رمان «شاهنشاه در کوچه دلگشا» نوشته محمدعلی علومی از آن دسته آثار خوش‌طنین و بدیع ادبیات پس از انقلاب است که با بهره‌گیری از طنز، هجو، اسطوره‌سازی معکوس و رندانه‌ترین شکل ریشخند، به سراغ نقد قدرت سیاسی و ساختارهای سلطانی در ایران می‌رود. علومی در این اثر چهره‌ای از شاه می‌سازد که نه آن ابهت پروپاگاندای رسمی دوران پهلوی را دارد و نه آن روایت خشک و صرفاً سیاسی تاریخ‌نویسان؛ بلکه با تبدیل شاه به موجودی کمیک و تراژیک، و با قراردادن او در فضایی شبه‌عامیانه، خواننده را به تجربه‌ای می‌کشاند که در آن قدرت از جایگاه دست‌نیافتنی به سطح زندگی روزمره و کوچه‌پس‌کوچه‌ها سقوط می‌کند. همین «سقوط» است که شاه را در چشم خواننده مضحک و آسیب‌پذیر نشان می‌دهد؛ و این دقیقاً کاری است که قدرت سیاسی از آن بیشترین هراس را دارد: از دست دادن هیبت.
علومی برای رسیدن به این هدف از شگردهایی بهره می‌گیرد که بخشی ریشه در سنت نثر فارسی و بخشی در سنت نمایش‌های مطربی و مضحک دارد. شاه در این کتاب گاهی همچون شخصیت‌های هزلی در متون قرون وسطی رفتار می‌کند، گاهی شبیه مستبدان خرده‌پا در قصه‌های شفاهی جنوب و گاهی همچون قهرمانان شکست‌خورده کمدی‌دل‌آرته. این ترکیب، نه‌تنها لحن کتاب را به تجربه‌ای شیرین و گزنده بدل می‌کند بلکه روایت رسمی قدرت را نیز از درون تهی می‌سازد. وقتی شاه به سطح کوچه دلگشا می‌آید، آن فاصله بعید میان «اعلیحضرت» و «رعایا» از میان می‌رود و قدرت به چیزی عادی، قابل لمس و حتی قابل خنده تبدیل می‌شود. این ضربه طنز کمتر از نقد سیاسی مستقیم نیست بلکه گاه مؤثرتر است، زیرا طنز نه دستور می‌دهد، نه شعار می‌دهد، بلکه تصویر می‌آفریند و خواننده را در موقعیت قضاوت قرار می‌دهد.
در این میان، علومی به‌خوبی نشان می‌دهد که دستگاه سلطنتی چگونه با ترکیبی از توهم، چاپلوسی، دروغ بزرگ و بی‌خبری اداره می‌شد. در رمان، جهان قدرت پر است از مشاوران نالایق، مدیران چاپلوس، مأمورانی که نقش «خبر» را با «قصه» عوض کرده‌اند و در نهایت خود شاهی که در دنیایی از اطلاعات تقلبی غرق است و فکر می‌کند کشور در مسیر ترقی پیش می‌رود. این بی‌خبری ساختاری به‌نوعی مهم‌ترین نقطه تماس اثر با تاریخ پهلوی است: شاه در روایت رسمی همیشه قدرت دارد، اما کمتر کسی به این نکته پرداخته که قدرت بدون شناخت، خود شکل دیگری از ضعف است. علومی با طنز نشان می‌دهد که نقطه سقوط پهلوی نه فقط استبداد بلکه ناآگاهی سیاسی و فاصله وحشتناک از مردم بود. در نهایت «شاهنشاه در کوچه دلگشا» بیش از آنکه هجوی صرف باشد، بازگرداندن قدرت به ابعاد انسانی است و وقتی قدرت انسانی می‌شود، دیگر نه خوف دارد و نه شکوه، بلکه تبدیل به چیزی می‌شود که مردم می‌توانند درباره‌اش حرف بزنند، به آن بخندند و از آن عبور کنند. این همان کار جسورانه‌ای است که رمان انجام می‌دهد: شاه را از تخت به کوچه می‌آورد.
رمان ۵۵۲صفحه‌ای شاهنشاه در کوچه دلگشا از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ پنجم رسیده است.

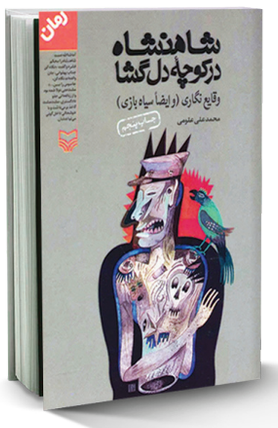

علومی در «شاهنشاه در کوچه دلگشا» به‌خوبی نشان می‌دهد که دستگاه سلطنتی چگونه با ترکیبی از توهم، چاپلوسی، دروغ بزرگ و بی‌خبری اداره می‌شد

رازهای سرزمین من؛ زخم‌های پنهان

«رازهای سرزمین من» رمانی است تاریخی، نوشته رضا براهنی که در سال ۱۳۶۶منتشر شده است؛ داستان بلندی که حول رخدادهای مهم ایران معاصر من‌جمله سربرآوردن فرقه دمکرات در آذربایجان، حضور مستشاران آمریکایی در ایران، کودتای ۱۳۳۲، رفتن شاه و در نهایت پیروزی انقلاب می‌چرخد.
رمان «رازهای سرزمین من» نوشته رضا براهنی از مهم‌ترین و جسورانه‌ترین آثاری است که ادبیات داستانی فارسی درباره وضعیت اختناق، سرکوب سیاسی و فضای امنیتی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ خلق کرده است. اهمیت این رمان تنها در موضوع آن نیست، بلکه در شیوه‌ای است که براهنی برای روایت این دوره انتخاب می‌کند؛ شیوه‌ای که به‌جای گزارش‌نویسی، تجربه‌سازی می‌کند. او اختناق را نه فقط در سطح محتوای داستانی، بلکه در لایه‌های فرم، زبان، صدا و ساختار متن وارد می‌کند تا مخاطب همان حس بی‌قراری، اضطراب و ناامنی را که شخصیت‌ها از سر می‌گذرانند لمس کند. به همین دلیل است که «رازهای سرزمین من» بیشتر شبیه به سفری ذهنی به درون جهان تحت نظارت و کنترل است تا صرفاً رمانی درباره بازداشت، شکنجه، سانسور یا خفقان. در این اثر، شخصیت‌ها درگیربودن با دستگاه امنیتی را نه فقط در قالب مواجهه مستقیم با مأمور و بازجو، بلکه در قالب شک، سوءظن، پچ‌پچ، مراقبت، گزارش‌نویسی و حتی خودسانسوری تجربه می‌کنند. همه می‌دانند تحت مراقبت هستند اما نمی‌دانند چه‌کسی مراقب است. همه می‌دانند باید حرف نزنند اما نمی‌دانند کدام حرف خطرناک است. این وضعیت خاکستری و پر از تردید، همان چیزی است که براهنی به شکل روایی و روانشناختی بازآفرینی کرده است. او از روایت خطی و کلاسیک دور می‌شود و فرم چندصدایی، زمان‌های شکسته، مونولوگ‌های طولانی، نوشتار هذیانی و تداعی‌گر و همچنین ورود رؤیا و کابوس را به‌کار می‌گیرد تا ذهنیتی که زیر فشار امنیتی له شده را نشان دهد. خواننده در طول رمان مدام میان واقعیت و خیال، اکنون و گذشته، فرد و جمع جابه‌جا می‌شود، بی‌آنکه مرزی روشن میان این قلمروها ببیند؛ درست همانطور که شخصیت‌ها مرزی میان امنیت و تهدید نمی‌بینند. از این جهت «رازهای سرزمین من» علاوه بر رمانی سیاسی، سندی ادبی از تاریخ پنهان آن سال‌هاست؛ تاریخی که در آن دستگاه امنیتی تنها بدن‌ها را کنترل نمی‌کرد، بلکه زبان، حافظه، تخیل و امکان حرف‌زدن را نیز هدف قرار می‌داد. براهنی نشان می‌دهد که چگونه قدرت می‌تواند به اعماق روان و زبان نفوذ کند و چگونه یک جامعه می‌تواند به‌تدریج به سکوت و واهمه عادت کند. به همین دلیل رمان همچنان خواندنی است: نه فقط برای شناخت گذشته، بلکه برای اندیشیدن به ماهیت قدرت و شکنندگی انسان در برابر آن.
رازهای سرزمین من بارها از سوی ناشران مختلف ازجمله ثالث، پژوهش دادار و... چاپ شده و آخرین ناشر این کتاب نگاه است که این رمان دو جلدی ۱۳۱۱صفحه‌ای را به چاپ چهارم رسانده است.

جدول اعداد | ۵۲۴۵

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

ساده

	۵			۶			۱	
		۱	۹		۳	۸		
۹								۳
۳	۸		۷		۹		۵	۲
			۸		۶			
۴	۹		۵		۲		۶	۸
۶								۴
		۴	۳		۵	۷		
	۷			۲			۸	

متوسط

۱	۲	۶	۷	۴	۵	۸	۴	۹
۴	۸	۹	۶	۱	۲	۷	۲	۵
۲	۷	۵	۹	۸	۶	۱	۳	۴
۹	۴	۷	۱	۶	۸	۳	۵	۲
۶	۵	۳	۲	۷	۴	۹	۸	۱
۷	۱	۸	۳	۹	۵	۲	۴	۶
۸	۳	۲	۵	۶	۹	۴	۱	۷
۵	۶	۴	۸	۲	۱	۶	۷	۳
۳	۹	۱	۴	۵	۷	۸	۶	۲

سخت

						۳		
۶				۹	۱			
۹			۴			۷		
		۸					۴	
	۳		۱		۴		۷	
	۷					۲		
		۶			۸			۲
			۲	۵				۸
		۱						

متوسط

۶				۳				
۱		۴						
۸	۳				۵			
	۶	۳			۴	۸		
	۹		۸		۷		۴	
		۵	۱			۲	۶	
			۷				۸	۲
						۹		۴
				۲				۱

ساده

۱	۷	۲	۴	۲	۶	۸	۹	۵
۶	۲	۸	۹	۴	۲	۱	۷	۳
۴	۹	۵	۷	۱	۸	۲	۶	۲
۹	۴	۷	۱	۶	۲	۵	۸	۲
۷	۱	۲	۵	۸	۹	۶	۴	۳
۸	۵	۶	۳	۷	۴	۹	۱	۲
۲	۸	۹	۶	۱	۵	۴	۳	۷
۳	۶	۱	۲	۹	۷	۸	۵	۴
۵	۷	۴	۸	۳	۱	۷	۲	۶

سخت

۸	۹	۶	۲	۴	۳	۱	۲	۷
۷	۲	۱	۶	۹	۴	۳	۸	۵
۲	۳	۴	۱	۸	۷	۶	۹	۲
۱	۶	۲	۳	۷	۸	۹	۴	۲
۹	۲	۷	۴	۱	۶	۲	۵	۸
۴	۸	۳	۹	۲	۵	۷	۱	۶
۶	۵	۸	۷	۹	۱	۴	۳	۲
۳	۱	۲	۵	۶	۸	۴	۷	۹
۷	۴	۹	۸	۲	۳	۵	۶	۱

جدول ۹۵۹۷

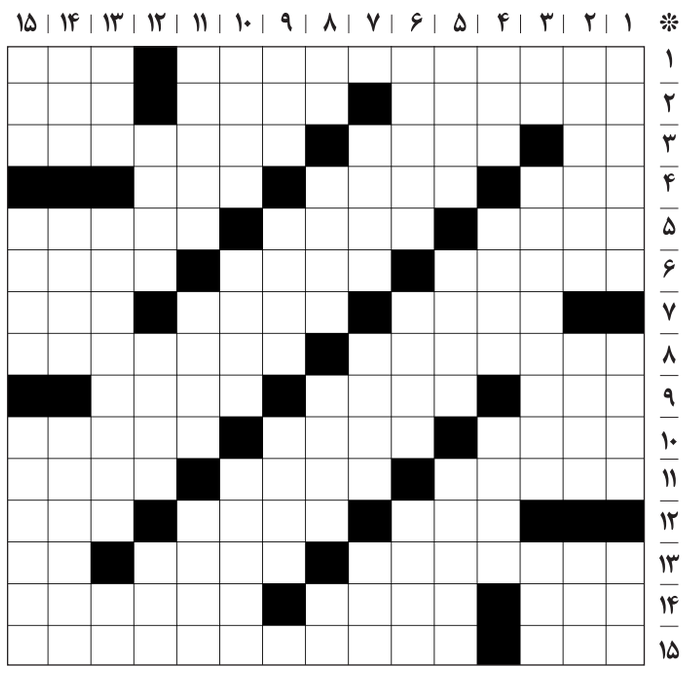

افقی:
۱-از القاب امام سجاد(ع)- سالخورده
۲- دستگاهی برای انجام واکنش‌های هسته‌ای- از مهم‌ترین جنگ‌های حماسی یونان باستان- واحد شمارش نان
۳-وحشی- لازم و ضروری- پیوستگی
۴- حبس مادام‌العمر- راغب و خواهان- خاصیت ارتجاعی دارد
۵-نوزاد حشره- بوی خوش- از ذکرهای شیعیان
۶-امانت- جهانگرد- قشر، پوسته
۷- سازمان بین‌المللی استاندارد- از اقوام ایرانی- بی‌عرضه
۸-اسطوره فوتبال ایران- داستانی نوشته جان اشتاین بک
۹-مرتبه اجتماعی- برتری مقام و موقعیت- خرگوش عرب
۱۰-ابریشم مصنوعی- تکاور- گیرودار
۱۱-بزرگداشت- کبوتر دشتی- بیماری کم‌خونی
۱۲- شانه، دوش- نرمی و روانی- آلونک
۱۳- تحریک کردن- گندیدگی- چهره
۱۴-نوعی آینه- بردبار- همسایه مجارستان و اسلوونی
۱۵-حرف نمی‌زند- به این کتاب دعا، اخت القرآن و زبور آل محمد نیز لقب داده‌اند

عمودی:
۱-میوه تابستانی- خوشگذرانی- کمترین
۲-آلبومی با آواز سالار عقیلی- پسندیدن در فضای مجازی- صدای بلند
۳- مخفف اینک- الماس زیبا که از جواهرات سلطنتی ایران است- قوم ساکن شمال ایران
۴-جامه صاف کن- همراه وعده- احسان
۵- ملامت کننده- بلبل- کارشناس
۶-لقب باباطاهر- نوعی بیسکوییت سبک- گشاینده
۷-از الفبای انگلیسی- در توضیح کلام به‌کار می‌رود- پیغمبر
۸-خدای دروغین- شعله آتش- گرایش به زیبایی- طاقچه بالا
۹- زنگ گردن شتر- دردمندی- برادران مخترع هواپیما
۱۰- پیامبر پاکدامن- از القاب حضرت فاطمه(س)- بازتابیده
۱۱-نوعی خواهر و برادر- نان آذری- گشت و گذار
۱۲-بزرگ‌ترین گوزن ایرانی- درس نگارشی- نغمه
۱۳-قرارگاه- خودپرداز- نام آذری
۱۴-خانه بزرگ- بزرگ‌ترین ذخایر نفت آفریقا در این کشور است- نوعی خودروی باربری
۱۵-آخرین سوره‌ای که بر پیامبر نازل شد- قوم حضرت موسی(ع)- پسر خسرو پرویز

جدول شماره ۹۵۹۶

ج	ا	ن	ب	ا	ز	■	ف	ر	ا	م	د	ر	ن	■
ا	ب	ا	ب	ی	ل	■	و	ا	ه	ی	■	و	ا	ق
ن	و	ن	■	ن	ز	ه	ت	■	ا	ت	ر	ی	و	م
■	■	ا	و	ه	ا	م	■	ک	ر	و	ک	■	ب	ر
س	ر	و	د	■	ل	ی	ک	ن	■	ز	ا	ک	ر	ب
ق	ب	ر	ا	ق	■	ن	ا	ت	و	■	ب	ا	ی	ن
ا	ن	■	د	ی	م	■	س	ر	د	س	ی	ر	■	ی
ی	ا	ل	■	س	ا	د	ه	ل	و	ح	■	ی	ل	ه
ا	■	ش	ن	ی	ت	س	ل	■	د	ا	ن	■	و	ا
ب	ش	ک	ه	■	م	ت	ی	ن	■	ب	ر	ا	ز	ش
و	ی	ر	ا	ن	■	ر	س	و	خ	■	م	ت	ه	م
ا	ر	■	ن	ق	ر	س	■	ب	ل	ب	ش	و	■	■
د	م	س	ی	ا	ه	■	ک	ل	ب	ه	■	ب	ط	ن
ب	ا	خ	■	ل	ا	ب	د	■	ا	ر	م	ا	ن	ی
■	ل	ا	م	ی	ن	و	ر	■	ن	ه	ا	ن	ز	ا